



مشخصات طرح

دوره هشتم - سال اول

شماره ثبت:

۲۷۶

شماره چاپ:

۵۵۶

تاریخ چاپ:

۱۳۸۷/۱۱/۱۴

نام دفاتر:

مطالعات سیاسی

مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش:

شماره مسلسل:

۲۶۰۹۵۱۶

تاریخ انتشار:

۱۳۸۷/۱۱/۲۱

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح اصلاح ماده (۷۹) و تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۸۰) قانون تشکیلات،
وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران - مصوب
۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن»

طرح موضوع

اصل سلسله مراتب میان قوانین از اصول شناخته شده در مباحث حقوقی است که براساس آن قوانین و مقررات مادون نباید با قوانین و مقرراتی که توسط مراجع بالاتر وضع شده و ارزش حقوقی بیشتری دارد مغایر باشد. برای رعایت این امر، سازوکارهایی وجود دارد که با نظارت بر قوانین و مقررات موضوعه ضامن سلسله مراتب موجود میان قوانین است و طرح حاضر که ناظر به چگونگی نظارت و احیاناً امکان ابطال مصوبات شوراهای اسلامی است دقیقاً در این مقوله جای می‌گیرد.

بررسی طرح

طرح حاضر که ناظر به اصلاح تبصره «۲» ماده (۷۹) و تبصره‌های «۱» و «۲» ماده (۸۰) قانون شوراهاست حاوی نکات تأمل‌برانگیز به شرح زیر است:

۱. تبصره «۲» ذیل بند «۳» ماده (۷۹) که در طرح حاضر پیشنهاد حذف آن داده شده، از باب نظارت، به وزارت کشور اجازه می‌دهد که هر زمان و بدون محدودیت زمانی موارد تخلف از قانون از سوی شوراهای را به هیئت حل اختلاف ارجاع دهد. آنچه که از این تبصره برمی‌آید حساسیت برای رعایت و حاکمیت قانون است که در مورد مصوبات هیئت دولت نیز وجود دارد. در حالی که بنا به تجویز اصل ۱۷۰ قانون اساسی هرکس می‌تواند هر زمان ابطال مصوبات خلاف شرع و خلاف قانون و اختیارات قوه مجریه را از دیوان عدالت اداری بخواهد، اختیار مقرر در تبصره «۲» ماده (۷۹) برای وزارت کشور برای نظارت بر قانونی بودن اعمال شوراهای، قابل توجیه است و از این رو اکیداً ابقای آن توصیه می‌شود.

۲. درخصوص مفاد تبصره «۱» پیشنهادی که مطابق آن حق عمومی مراجعه کلیه اشخاص به هیئت حل اختلاف مرکزی مبنی بر اعتراض به مغایرت مصوبات شوراهای با قوانین، صرفاً محدود به تقاضای وزیر کشور و شورای عالی استان‌ها شده است، اگرچه به ظاهر مغایرتی با متن قانون اساسی وجود ندارد ولی پیشنهاد مذکور از حیث رعایت حقوق شهروندان به‌ویژه در دسترسی به مراجع رسیدگی به اختلافات، مناسب به نظر نمی‌رسد. باید توجه داشت که تزلزل و ابطال تصمیمات شوراهای، نتیجه تعدد اعتراضات مطروحه نیست بلکه ناشی از وجود اهمال و اشتباه احتمالی در تصمیمات یا نشئت گرفته از مغایرت احتمالی آنها با متن قوانین و مقررات جاری است. بنابراین توجیه پیشنهاد حاضر که نتیجه منطقی آن، تحدید حق اشخاص است، قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد.

۳. حتی با فرض قبول پیشنهاد نخست، متن پیشنهادی درخصوص تبصره «۲» نیز به‌طور جدی محل ایراد است. مطابق این تبصره، مصوبات شوراهای اسلامی پس از طی مراحل مقرر، قطعی بوده و در سایر مراجع قضایی، غیرقابل اعتراض است. نتیجه این حکم، منع اشخاص در مراجعه به دیوان عدالت اداری به‌منظور اعتراض به خلاف قانون بودن تصمیمات و مصوبات شوراهاست. از این منظر، پیشنهاد حاضر مغایر با صلاحیت‌ها و اختیارات دیوان عدالت اداری و مخالف با قانون اساسی است.

۴. در نهایت و در صورت وجود ملاحظات عملی و مشکلات پیش‌رو، می‌توان حق تجدیدنظر یا ابطال مصوبات شوراهای را صرفاً به وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها «البته بدون محدودیت زمانی» سپرد.

نتیجه‌گیری

پیشنهادهای مذکور در طرح هرچند به ثبات مصوبات شوراهای کمک می‌کند، نظارت بر مشروعیت قانونی آنها را کمرنگ می‌سازد.